

بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین کشاورزی در استان زنجان

روح اله رضایی^{۱*}، لیلا صفا^۲
۱، ۲، دانشیار و استادیار دانشگاه زنجان
(تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۸ - تاریخ تصویب: ۹۴/۲/۲۲)

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین کشاورزی در استان زنجان انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق تمامی مدیران و صاحبان این بنگاه‌ها در سطح استان زنجان بودند (N=۳۵۴) که یک نمونه ۲۲۰ نفری از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (شهرستان‌های مورد مطالعه به عنوان طبقات) انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی پرسشنامه با نظر پانلی از کارشناسان و پژوهشگران در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه ۰/۷۶ بود. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی نشان داد که شش عامل سیاسی- زیرساختی (با واریانس ۱۷/۲۸ درصد)، قانونی (با واریانس ۱۳/۷۹ درصد)، مالی- هزینه‌ای (با واریانس ۱۲/۳۵ درصد)، مهارتی- آموزشی (با واریانس ۱۰/۷۸ درصد)، فنی- جغرافیایی (با واریانس ۸/۳۵ درصد) و ارتباطی- اطلاع‌رسانی (با واریانس ۵/۱۴ درصد)، در مجموع ۶۷/۶۹ درصد از واریانس کل موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان را تبیین کردند.

واژه‌های کلیدی: بنگاه‌های کوچک و متوسط، کسب و کارهای کارآفرین، کشاورزی، موانع توسعه.

مقدمه

در سال‌های اخیر بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین، به عنوان اصلی‌ترین

منابع ایجاد شغل در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شناخته شده‌اند (Amin Bidokhti & Zargar, 2012a). با ظهور فناوری‌های جدید در تولید و ارتباطات به ویژه طی دو دهه گذشته، تحولاتی در قابلیت‌های واحدهای صنعتی، روش‌های تولید و توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاه‌ها پدید آمده است که بر اهمیت واحدهای کوچک و متوسط افزوده است (Yeh- Yun & Zhang, 2005). این واحدها به دلیل کوچکی و سادگی در ساختار سازمانی، از انعطاف‌پذیری فراوانی در برابر

۱. با توجه به طولانی بودن عنوان "بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین"، به منظور رعایت اختصار در طول مقاله از عبارت کوتاه‌تر "بنگاه‌های کوچک و متوسط" یا SMEs معادل Small and Medium Enterprises استفاده شده است.

کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند (Alsadat Aghili et al., 2013). هر چند این تعاریف کمی، تقسیم‌بندی را راحت‌تر می‌نمایند، اما معیارهای کمی همیشه روش مناسبی برای طبقه‌بندی بنگاه‌ها نیستند، بلکه کیفیت و مشخصات کیفی بنگاه‌ها نیز در این تقسیم‌بندی حایز اهمیت می‌باشند (Edraki, Simon et al., 2012; Soltani et al., 2009). در این زمینه، *al.* (1998) در یک برداشت نسبتاً جامع بیان داشتند که بنگاه‌های کوچک و متوسط باید حداقل دو مورد از ویژگی‌های کیفی زیر را به صورت همزمان دارا باشند: وحدت مالکیت و مدیریت؛ مالکیت و یا سرمایه توسط یک شخص و یا یک گروه کوچک فراهم شده باشد؛ محیط کاری عموماً محلی باشد و کارکنان و مالکان در یک منطقه جغرافیایی نزدیک به هم زندگی کنند؛ سبزه و اندازه نسبی فعالیت مورد نظر در درون صنعت مربوطه در مقایسه با بزرگترین واحد مشغول در آن صنعت، کوچک باشد و یا به عبارتی، از متوسط اندازه نسبی آن صنعت کوچکتر باشد.

با در نظر گرفتن اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و با توجه به تجربه موفق بسیاری از کشورها، در راستای ایجاد اشتغال مولد، تقویت روحیه رقابت و توسعه نقش کارآفرینی در اقتصاد و افزایش بهره‌وری، در ایران از سال ۱۳۸۴ رویکرد ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق سیاست‌ها و سازوکارهای مختلف به ویژه اعطای وام و تسهیلات بانکی به این بنگاه‌ها مورد توجه جدی قرار گرفت (Shahnoshi & Shabanzadeh, 2013). ارزیابی اولیه وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور نشان می‌دهد که این بنگاه‌ها علیرغم کمک دولت، در ایفای نقش راهبردی مورد انتظار خود در اقتصاد کشور، رقابت با بنگاه‌های مشابه خارجی و صنایع بزرگ داخلی و نیز کسب مزیت رقابتی که لازمه حضور جدی در بازارهای جهانی است، با مشکل مواجه هستند (Amin Bidokhti & Zargar, 2012b). در واقع، طی چند سال گذشته نقش و جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور رو به کاهش بوده است و آنها نتوانسته‌اند نسبت به بنگاه‌ها و واحدهای بزرگ از مزیت نسبی در توسعه صنعتی و اقتصادی کشور برخوردار

تغییرات، سرعت قابل قبول در انجام فعالیت‌ها، قدرت رقابت در محیط بیرونی و نیز از توانایی و ظرفیت زیادی برای بهبود عملکرد خود و دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده شرکت با استفاده از منابع موجود برخوردار هستند (Wilkinson & Brouther, 2006). بنگاه‌های کوچک و متوسط با در اختیار داشتن ترکیبی متمایز و منحصر به فرد از منابع انسانی و مالی، حمایت‌های اجتماعی و زمینه‌های آموزشی و فرهنگی، بهترین و قوی‌ترین عوامل برای پشتیبانی از جریان کارآفرینی به شمار می‌روند (Khoshnodifar et al., 2012). با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش بی‌بدیل آنها در توسعه اقتصادی، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایجاد و حمایت از این بنگاه‌ها را یکی از اولویت‌های اساسی خود قرار داده (UNIDO, 2008) و با در پیش گرفتن سیاست‌های منسجم و هماهنگ، توانسته‌اند گام‌های بزرگی در کاهش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی که بیکاری عمده‌ترین آنها محسوب می‌شود، بردارند (Shabanzadeh et al., 2013).

در ارتباط با بنگاه‌های کوچک و متوسط، هیچ تعریف جهان شمولی وجود ندارد که به طور گسترده‌ای مورد تایید قرار گرفته باشد (Azar & Gheitasi, 2010). بر این اساس، کشورهای مختلف با توجه به شرایط خاص خود تعریف مشخصی از این بنگاه‌ها ارائه داده‌اند؛ در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف واحدها و بنگاه‌های کوچک و متوسط آن است (Alsadat Aghili et al., 2013). در این خصوص، بیشتر تعاریف بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان، میزان گردش مالی، ارزش دارایی‌ها و میزان سرمایه می‌باشد. در عین حال، ساده‌ترین معیار نیز برای تعریف و مشخص کردن آنها، استفاده از تعداد کارکنان است؛ اما با توجه به همین معیار، باز هم تعریف‌های متعددی ارائه شده است. برای نمونه، اتحادیه اروپا برای بنگاه کوچک و متوسط حداکثر ۲۵۰ نفر را در نظر گرفته است، در آمریکا در تعریف این بنگاه‌ها از حد ۵۰۰ نفر استفاده می‌شود و در مالزی این حد ۱۵۰ نفر می‌باشد (Soltani et al., 2012). این در حالی است که در ایران بر اساس تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های

مسایل و مشکلات مختلف، میزان اثربخشی این بنگاه‌ها پایین بوده و تنها توانستند در حدود ۳۷۸ شغل در زیربخش‌های گوناگون اعم از دام، زراعت، شیلات، صنایع کشاورزی، مکانیزاسیون و غیره ایجاد نمایند. همچنین، ارزیابی‌ها حاکی از آن است که بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط راه‌اندازی شده در بخش کشاورزی استان زنجان از قدرت رقابتی کافی با بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ برخوردار نبوده و پس از مدتی از شروع فعالیت، به حالت راکد یا نیمه راکد در آمده‌اند که این مساله سبب شده است تا در مجموع، این بنگاه‌ها نتوانند عملکرد قابل قبولی از خود نشان داده و نقش خود را در افزایش کارآفرینی و پویایی بخش کشاورزی استان به نحو مطلوب ایفا کنند (Jihad-e-Agriculture, Organization of Zanjan Province, 2014). بر اساس مطالب اشاره شده، پرسش اساسی تحقیق حاضر این بود که چه عامل‌هایی از توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی استان زنجان ممانعت کرده و آنان را به رکود کشیده‌اند؟ با توجه به اهمیت مساله، مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور در راستای شناسایی و واکاوی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش‌های مختلف انجام شده است که در ادامه به طور خلاصه به نتایج برخی از مهم‌ترین آنها اشاره شده است.

Sharifi *et al.* (2013) در مطالعه‌ای پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط در صنعت رنگ ایران مشخص ساختند که ضعف در فناوری، مشکلات سیاسی و اقتصادی، کاستی‌های قوانین و مقررات و محدودیت‌های بازار به عنوان موانع اصلی رشد SMEs در صنعت رنگ کشور محسوب می‌شوند. Ali Mirzaei *et al.* (2012) در مطالعه خود به بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین روستایی در استان خوزستان در حوزه صنایع تکمیلی خرما پرداخته‌اند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، اصلی‌ترین موانع بازدارنده توسعه بنگاه‌های مورد مطالعه شامل موانع زیرساختی، بازاریابی، مدیریتی و سیاست-گزاری بودند. در میان عوامل اشاره شده، موانع زیرساختی دربرگیرنده مواردی همچون ضعف در زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز، ضعف مالی و کمبود

باشند (Amin Bidokhti & Zargar, 2012a). در این زمینه، Mozafari (2008) بر این باور است که بنگاه‌های کوچک و متوسط در تمامی حوزه‌ها از جمله کشاورزی با مشکلات و کمبودهای متعددی اعم از فقدان محیط مناسب برای رشد کسب و کار از جنبه‌های مختلف حقوقی، قانونی و غیره، ضعف زیرساخت‌های نرم‌افزاری و تشکیلاتی، فقدان ارتباط منسجم با شبکه‌های بانکی و مالی کشور، نبود شبکه‌های همکاری میان بنگاه‌ها و غیره، دست به گریبان هستند. به همین منوال، Amid & Ghamkhari (2010) نیز موانع مالی، موانع بازار، عدم دسترسی به انواع اطلاعات و ضعف سیاست‌های دولت در ایجاد محیط توانمندساز برای بنگاه‌ها را از مهم‌ترین مشکلات فراروی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور می‌دانند. بروز چنین مسایلی در سال‌های اخیر سبب شده است تا بنگاه‌های کوچک و متوسط تا حدود زیادی دچار انحراف شده (Shabanzadeh *et al.*, 2013) و نتوانند در راستای اهداف برنامه‌ریزی شده خود به ویژه افزایش تولید، تقویت تحرک اقتصادی، بهبود کارآفرینی و اشتغال‌زایی و ارتقاء فرصت‌های شغلی جدید حرکت نمایند و در نتیجه، از اثربخشی مناسب و عملکرد قابل توجیهی برخوردار باشند (Khalighi, 2009; Khoshnodifar *et al.*, 2012). در بخش کشاورزی نیز با توجه به شرایط خاص حاکم بر این بخش، به دلیل وجود مشکلات مختلف بنگاه‌های کوچک و متوسط از میزان موفقیت بسیار پایینی برخوردار بوده و بیشتر این بنگاه‌ها در دستیابی به اهداف سازمانی خود به شکل بسیار ضعیفی عمل کرده‌اند (Khoshnodifar *et al.*, 2012). برای نمونه، بر اساس طرح آمارگیری ارزیابی عملکرد و اثربخشی بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده (۱۳۸۶)، از ۶۰۹۶۲۰ فرصت شغلی برآورده شده از طریق توسعه این بنگاه‌ها در بخش کشاورزی تنها ۲۸/۵۲ درصد آنها در نهایت منجر به ایجاد اشتغال شده است (Heidarpour, 2008). در همین زمینه، در استان زنجان نیز تا سال ۱۳۹۲ در حدود ۳۵۴ بنگاه در زیربخش کشاورزی راه‌اندازی و مجوز فعالیت دریافت کرده است که قرار بود این تعداد بنگاه نزدیک به ۹۲۶ فرصت شغلی را ایجاد نمایند که به دلیل مواجهه با

تحقیق خود دریافت که نبود فناوری‌های اطلاعاتی، کمبود منابع مالی، ضعف آموزش کارشناسان و مدیران بنگاه‌ها، قوانین و مقررات سخت‌گیرانه و انعطاف‌ناپذیر، ضعف در زیرساخت‌ها، پایین بودن کیفیت محصولات تولید شده، دسترسی کم به تسهیلات و منابع اعتباری، ضعف حمایت از سوی دولت و پایین بودن سطح تجربه مدیران، مهمترین موانع توسعه SMEs در کشور اردن به شمار می‌روند. Maya & Anton (2012) در مطالعه موانع و راهکارهای بالقوه توسعه SMEs در کشور اندونزی به این نتیجه رسیدند که شرایط رقابتی سخت، دسترسی پایین به منابع مالی، قیمت بالای نهاده‌های انرژی، نداشتن دسترسی کافی به فناوری‌های مرتبط، نبود ثبات اقتصادی، پایین بودن سطح مهارت مدیران، نبود بازارهای کافی و دسترسی اندک به نهاده‌های تولیدی، مهمترین موانع فراروی SMEs بودند. Zhu et al. (2011) در مطالعه خود به بررسی موانع نهادی مرتبط با توسعه SMEs در کشور چین پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که رقابت ناعادلانه با بخش دولتی، دسترسی کم به منابع مالی، نبود قوانین و مقررات مرتبط مناسب، سنگین بودن مالیات‌ها و ضعف سیستم‌های حمایتی، مهمترین موانع نهادی برای توسعه SMEs مورد مطالعه بودند. در مطالعه دیگری، Rachel (2009) در واکاوی موانع رشد و توسعه SMEs به این نتیجه دست یافت که عمده‌ترین این موانع شامل نبود دسترسی به منابع اعتباری به ویژه وام‌های بانکی، قوانین سخت‌گیرانه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات، نامتناسب بودن مالیات و بالا بودن آن برای بنگاه‌ها، ضعف منابع انسانی و شرایط رقابتی ناعادلانه با شرکت‌های بزرگ بودند. Bartlett & Bukvič (2001) در مطالعه خود مشخص نمودند که موانع نهادی، درونی، محیطی، تامین مالی و اجتماعی، اصلی‌ترین موانع توسعه SMEs در کشور اسلونی می‌باشند.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری

نقدینگی، پراکنش جغرافیایی نامناسب بنگاه‌ها در سطح استان، کهنگی، فرسودگی و مستهلک بودن تجهیزات و ماشین‌آلات و ضعف در نظام حمل و نقل، مهمترین موانع به شمار می‌آیند. Amin Bidokhti & Zargar (2012b) در بررسی موانع توسعه SMEs و آرایه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها به این نتیجه دست یافتند که مطلوب نبودن استاندارد و کیفیت محصولات تولیدی بنگاه‌ها، بالا بودن هزینه‌های تولیدی در بنگاه‌ها، کافی نبودن توانایی مدیران بنگاه‌ها در زمینه شناخت بازار و دانش بازاریابی، مناسب نبودن بسته‌بندی محصولات تولیدی، ضعف در سیستم حمل و نقل و مناسب نبودن وضعیت قوانین و مقررات بازرگانی و تجارت، اصلی موانع پیش-روی توسعه SMEs در ایران به شمار می‌روند. در مطالعه دیگری، Khoshnodifar et al. (2012) در بررسی عوامل موثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی شهرستان فرمپین نشان دادند که این بنگاه‌ها در منطقه مورد مطالعه با موانع متعددی مواجه می‌باشند که مهم‌ترین آنها شامل سخت‌گیری زیاد بانک‌ها، عدم پرداخت به موقع اعتبارات، بوروکراسی اداری، لزوم معرفی ضامن معتبر، عدم اطلاع‌رسانی از سوی سازمان‌های دولتی برای پشتیبانی از بنگاه‌ها و عدم آشنایی صاحبان بنگاه‌ها با نحوه تدوین طرح کسب و کار بودند. Elahifar et al. (2009) در بررسی مشکلات SMEs از طریق مقایسه مدل کسب و کار و روند اجرا در یک مطالعه موردی دریافتند که مهم‌ترین مشکل این بنگاه‌ها تطابق کم آنها با نیازها و واقعیات بازار می‌باشد. افزون بر این، ضعف در آرایه وام‌ها و کمک‌های مالی، عدم تمایل سرمایه‌گذاران خصوصی برای حمایت از بنگاه‌ها، وجود موانع قانونی و پایین بودن سطح تجربه مدیران بنگاه‌ها، از دیگر مشکلات SMEs مورد مطالعه بودند.

Blossom et al. (2014) در مطالعه‌ای چالش‌ها و موانع فراروی مدیران SMEs در کشور اردن را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج تحقیق مشخص شد که ضعف در سیاست‌های دولت برای حمایت از بنگاه‌ها، مسایل اداری و مدیریتی، کمبود سرمایه و منابع مالی و نبود بازارهای کافی، اصلی‌ترین موانع فراروی مدیران SMEs برای توسعه آنها هستند. Khalil (2013) در

۰/۰۵ و مقدار $t=۲/۵۸$ ، تعداد ۲۲۰ نفر از مدیران و صاحبان این بنگاه‌ها برای انجام تحقیق انتخاب شدند. برای دستیابی به نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (شهرستان‌های مورد مطالعه به عنوان طبقات) استفاده شد که پس از محاسبه، تعداد نمونه‌های زیر به شرح جدول (۱) به هر یک از شهرستان‌ها اختصاص یافت؛ در وهله بعد، با مراجعه به چارچوب نمونه، تعداد پاسخگویان مورد نظر در هر یک از طبقات به صورت تصادفی انتخاب شده و سپس داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شد.

این تحقیق مدیران و صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در سطح استان زنجان بودند که دارای مجوز فعالیت اعم از جواز تاسیس، پروانه کسب و جواز صنفی بوده و در حال حاضر نیز در حال فعالیت می‌باشند. بر اساس آمار Jihad-e-Agriculture Organization of Zanjan Province (2014)، هم اکنون در حدود ۳۵۴ بنگاه در شهرستان‌های مختلف استان زنجان در حوزه‌های مختلف کشاورزی در حال فعالیت می‌باشند (جدول ۱) که با توجه به جدول Bartlett et al. (2001)، با در نظر گرفتن سطح خطای

جدول ۱- تعداد کل مدیران و صاحبان بنگاه‌های مورد مطالعه و نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از طبقات

ردیف	نام شهرستان	تعداد کل پاسخگویان در هر یک از شهرستان‌ها	تعداد نمونه اختصاص یافته به هر یک از شهرستان‌ها
۱	زنجان	۱۰۴	۶۵
۲	ابهر	۹۵	۵۸
۳	خدابنده	۷۱	۴۴
۴	طارم	۴۳	۲۷
۵	ماه‌نشان	۱۷	۱۱
۶	خرمدره	۱۴	۹
۷	ایجرود	۱۰	۶
	کل	۳۵۴	۲۲۰

گویه "عدم دسترسی کافی به فناوری‌های جدید"، "پایین بودن حجم تولید به دلیل کوچک بودن مقیاس کسب و کار" و "توانایی اندک مدیران و صاحبان SMEs در بازاریابی و شناخت بازارهای هدف برای فروش محصولات"، به دلیل پایین بودن مقدار ضریب آلفای آنها و به منظور افزایش پایایی ابزار تحقیق، از پرسشنامه نهایی حذف شدند. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSSWin18 صورت گرفت و نتایج تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی (شامل تحلیل عاملی اکتشافی) ارائه شد. ذکر این نکته نیز ضروری است که در فرایند انجام تحلیل عاملی، به منظور استخراج و دسته‌بندی عامل‌ها از ملاک کیسرها استفاده شد و بر اساس آن، عامل‌هایی مد نظر قرار گرفت که مقدار ویژه آنها از یک بزرگتر بود.

ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها جهت پاسخ به پرسش‌های تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود که از سه بخش اصلی مشخصه‌های فردی پاسخگویان، مشخصات عمومی بنگاه‌های کوچک و متوسط و سنجش میزان اهمیت هر یک از موانع فراروی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط از دیدگاه پاسخگویان (شامل ۳۰ متغیر بر حسب طیف لیکرت پنج سطحی، از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) تشکیل شده بود. روایی پرسشنامه با نظر پانل متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تایید قرار گرفت و برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه یعنی "موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی"، پس از انجام اصلاحات لازم ۰/۷۶ به دست آمد که بر اساس نظر Pedhazur (1982) این مقدار در سطح مناسب قرار داشت. البته، شایان ذکر است که در این مرحله سه

یافته‌ها و بحث

پاسخگویان مورد مطالعه و ام‌ها و تسهیلات اعتباری خود را به ترتیب از سه بانک کشاورزی، سپه و صادرات دریافت کرده بودند. بر حسب موقعیت جغرافیایی، بیشتر بنگاه‌ها به ترتیب در دو شهرستان زنجان و ابهر قرار داشتند، در حالی که شهرستان ایجرود کمترین تعداد بنگاه‌ها را به خود اختصاص داده بود.

در این بخش، به منظور دسته‌بندی "موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی" و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل، از آزمون بارتلت و شاخص KMO بهره گرفته شد. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۰/۰۱ و مقدار مناسب KMO (جدول ۲)، حاکی از همبستگی و مناسبیت متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی بود.

نتایج تحقیق نشان داد که بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه مرد (۹۴/۵ درصد) و تعداد کمی از آنها (۵/۵ درصد) زن بودند. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه ۴۱/۳ سال بود که دامنه سنی بیشتر آنها (۴۷/۶ درصد) بین ۳۵ تا ۴۵ سال قرار داشت. همچنین، با توجه به نتایج تحقیق مشخص شد که بیشترین فراوانی از نظر سطح تحصیلات مربوط به پاسخگویان با مدرک تحصیلی دیپلم (۳۶/۲ درصد) بود. به لحاظ حوزه فعالیت بنگاه‌ها، نتایج تحقیق حاکی از آن بود که سه حوزه دامپروری، صنایع کشاورزی و شیلات به ترتیب بیشترین فراوانی را داشتند. همچنین، میانگین سابقه فعالیت بنگاه‌های مورد مطالعه در حدود ۴/۹ سال بود. از نظر تعداد کارکنان، ۵۷/۲ درصد از بنگاه‌های مورد مطالعه دارای ۳ یا کمتر از ۳ نفر، ۳۶/۵ درصد بین ۴ الی ۶ نفر و ۶/۳ درصد دارای تعداد کارکنان برابر یا بیشتر از ۷ نفر بودند. نتایج تحقیق نشان داد که بیشتر

جدول ۲- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری (Sig.)
موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی	۰/۸۱۵	۱۱۶۷/۰۱۹	۰/۰۰۰

کننده ۱۷/۲۸ درصد از واریانس کل بود. پس از آن، عامل دوم با نام عامل "قانونی" با مقدار ویژه ۳/۰۳۵ توانسته است ۱۳/۷۹ درصد از واریانس مجموعه را تبیین نماید. به طور کلی، شش عامل استخراج شده ۶۷/۶۹ درصد از واریانس کل را تبیین کرده‌اند که حاکی از میزان واریانس مناسب تبیین شده توسط عامل‌های استخراج شده دارد.

عامل‌های استخراج شده مجموعه مورد تحلیل یعنی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی، همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول (۳) ارائه شده است. با توجه به نتایج کسب شده در جدول (۳)، عامل نخست از بین شش عامل استخراج شده تحت عنوان عامل "سیاسی- زیرساختی" با مقدار ویژه ۳/۷۱۵ به تنهایی تبیین

جدول ۳- عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آنها

ردیف	عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
۱	سیاسی- زیرساختی	۳/۷۱۵	۱۷/۲۸	۱۷/۲۸	۱۷/۲۸
۲	قانونی	۳/۰۳۵	۱۳/۷۹	۳۱/۰۷	۳۱/۰۷
۳	مالی- هزینه‌ای	۲/۷۴۱	۱۲/۳۵	۴۳/۴۲	۴۳/۴۲
۴	مهارتی- آموزشی	۲/۳۵۱	۱۰/۷۸	۵۴/۲۰	۵۴/۲۰
۵	فنی- جغرافیایی	۱/۸۳۶	۸/۳۵	۶۲/۵۵	۶۲/۵۵
۶	ارتباطی- اطلاع‌رسانی	۱/۱۳۱	۵/۱۴	۶۷/۶۹	۶۷/۶۹

بازاررسانی مناسب محصولات تولید شده"، "نبود حمایت مالی کافی از SMEs به ویژه از سوی بانکها"، "نبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد برای بکارگیری در SMEs" و "پایین بودن استاندارد و کیفیت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده از سوی SMEs"، به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۵ از فرایند تحلیل حذف شدند.

وضعیت قرارگیری متغیرهای مورد مطالعه، با توجه به عوامل استخراج شده با فرض شدن متغیرهای دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ پس از چرخش عاملها به روش وریماکس، در جدول (۴) ارائه شده است. البته پس از چرخش وریماکس، پنج متغیر شامل "نبود سیاستهای تشویقی و حمایت کافی از سوی دولت برای فراهم ساختن یک محیط توانمندساز برای توسعه SMEs"، "ضعف زیرساختهای حمل و نقل برای

جدول ۴- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی بدست آمده از ماتریس چرخش یافته

عاملها	متغیرها	بار عاملی
	عدم ثبات سیاست‌گذاریها در حوزه قیمت، حمایتها، واردات و صادرات و غیره مرتبط با SMEs	۰/۸۳۱
	نبود نظام بیمه‌ای مشخص و منسجم مختص SMEs	۰/۸۰۵
سیاسی -	ضعف زیرساختهای عمرانی مورد نیاز برای توسعه SMEs (اعم از جاده، برق، مخابرات و غیره)	۰/۷۵۵
زیرساختی	نبود مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاده، بازاریابی و غیره	۰/۷۱۱
	نبود بازار مناسب برای فروش محصولات و خدمات	۰/۶۸۴
	نبود قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصر بفرد SMEs	۰/۸۰۸
	مبهم و به روز نبودن قوانین و امور حقوقی مربوط به SMEs	۰/۷۸۸
قانونی	بوروکراسی اداری و وجود رویه‌ها و سیستم‌های غیرمنعطف دولتی برای ارائه خدمات مختلف به SMEs	۰/۷۴۵
	وجود موانع قانونی متعدد (اعم از قانون کار، اخذ جواز تاسیس، صادرات و واردات، مالیات و عوارض و غیره) بر سر راه ایجاد و توسعه SMEs	۰/۷۰۳
	ضعف مالی و کمبود نقدینگی SMEs	۰/۷۷۶
مالی - هزینه‌ای	تمایل کم بانکها برای اعطای تسهیلات و اعتبارات به SMEs و وضع شرایط سخت‌گیرانه برای آنها	۰/۷۰۴
	نبود نظارت مناسب بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات اعتباری داده شده به SMEs	۰/۶۵۴
	بالا بودن هزینه‌های تولید به ویژه هزینه‌های کارگری و خرید نهاده‌ها	۰/۶۱۱
	پایین بودن سطح مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه مدیران و صاحبان SMEs	۰/۷۰۱
مهارتی - آموزشی	پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران SMEs	۰/۶۱۱
	ضعف اطلاعات و مهارت‌های فنی مدیران و صاحبان SMEs	۰/۵۵۴
	نبود فرصت‌های آموزشی کافی برای افزایش و به روز کردن سطح دانش و اطلاعات مدیران و صاحبان SMEs	۰/۵۱۳
	محدودیت‌های فنی SMEs نظیر استانداردسازی، رعایت الزامات کیفی، بسته‌بندی و غیره	۰/۷۰۶
فنی -	موقعیت جغرافیایی نامناسب SMEs به لحاظ قرار گرفتن بیشتر آنها در مناطق روستایی	۰/۶۱۵
جغرافیایی	قدرت رقابت‌پذیری پایین SMEs و وجود رقابت ناعادلانه بین آنها با شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ مقیاس	۰/۵۲۲
ارتباطی -	ضعف شبکه‌سازی و نبود تعامل/ارتباط اثربخش بین SMEs با یکدیگر و با سازمان‌های ذیربط	۰/۶۱۲
اطلاع‌رسانی	اطلاع‌رسانی ضعیف و نداشتن تبلیغات موثر برای معرفی محصولات تولید شده	۰/۵۲۱

زمینه، علی‌رغم اینکه در سال‌های اخیر برنامه‌ها و سیاست‌های مختلفی از سوی دولت به ویژه در قالب سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی

همانطور که از نتایج پیداست عامل ترکیبی نخست که بیشترین میزان واریانس را به خود اختصاص داده است، موانع سیاسی- زیرساختی می‌باشند. در این

این زمینه، قوانین و امور حقوقی مربوط به بنگاه‌های کشاورزی به روز نبوده و در بسیاری از موارد دارای ابهام می‌باشند که یکی از دلایل اصلی این مساله، نبود قانون جامع و مدون بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور می‌باشد، به نحوی که به جز تعدادی محدود، اکثر قوانینی که در مورد این بنگاه‌ها اعمال می‌شوند، مختص شرکت‌ها و صنایع بزرگ می‌باشند که در آنها شرایط و ویژگی‌های خاص SMEs مد نظر قرار نگرفته است. برای نمونه، در مورد قانون مالیات، ملاک دریافت مالیات از بنگاه‌های اقتصادی فقط بر اساس میزان درآمد بوده و نوع فعالیت و یا اندازه بنگاه تاثیری در تعیین میزان مالیات ندارد؛ به عبارت دیگر، بر اساس قانون فعلی مالیات، کوچکی یا بزرگی بنگاه و نیز تجاری یا تولیدی بودن فعالیت مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مشابه این مساله، در مورد قانون کار نیز وجود داشته و تمام بنگاه‌ها با یک ضابطه و یک نگرش مشمول تکالیف قانونی شده‌اند. افزون بر موارد اشاره شده، وجود محدودیت‌های قانونی متعدد جهت ایجاد SMEs به ویژه برای اخذ جواز تاسیس سبب شده است تا روند گسترش و توسعه بنگاه‌های اقتصادی در حوزه کشاورزی تا حدود زیادی کند شود. با توجه به وجود چنین شرایطی، همانطور که Lameei (2007) تاکید دارد قوانین و مقررات وضع شده نه تنها بسترهای مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینی و تولیدی را فراهم نکرده است، بلکه این قوانین به عنوان مانعی برای تقویت کارآفرینی در بنگاه‌های کوچک و متوسط و در نتیجه رشد و توسعه این بنگاه‌ها در اقتصاد ایران عمل کرده است. البته، ذکر این نکته نیز ضروری است که علاوه بر وجود نواقص در قوانین، همراه شدن این مساله با بوروکراسی اداری شدید و رویه‌ها و سیستم‌های غیرمنعطف دولتی، منجر به ایجاد تاخیر بیشتری در فرایند راه‌اندازی و توسعه SMEs شده است. برای مثال،

و فرهنگی کشور به منظور تقویت و حمایت از SMEs تدوین شده است، ولی در عمل به دلیل نبود برنامه‌ریزی راهبردی و عدم ثبات مدیریتی و سیاستی، بسیاری از این برنامه‌ها یا اجرا نشده و یا اینکه به شکل ناقص و ضعیفی عملیاتی شده‌اند. برای نمونه در این خصوص، همانطور که از نتایج نیز پیداست با وجود گذشت نزدیک به ده سال از تصویب و اجرای آیین‌نامه گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین، نظام بیمه‌ای مشخص و منسجمی برای پوشش فعالیت این بنگاه‌ها در بخش کشاورزی شکل نگرفته است که این مساله با در نظر گرفتن ریسک بالای فعالیت‌های کشاورزی از حساسیت بالایی برخوردار است. به همین منوال، در حوزه واردات و صادرات نیز به دلیل نبود مکانیسم مناسب، در بسیاری از موارد بنگاه‌های کشاورزی به دلیل واردات محصولات مشابه به شدت تحت فشار بوده و حتی در آستانه ورشکستگی قرار گرفته‌اند. افزون بر موارد اشاره شده، موضوع دیگری که در قالب عامل ترکیبی اول مورد توجه قرار گرفته است، موانع زیرساختی بودند. یکی از مشکلات بارز در این زمینه، ضعف زیرساخت‌های عمرانی برای توسعه SMEs است که اهمیت این مساله با توجه به موقعیت مکانی و جغرافیایی بنگاه‌های کشاورزی و قرار داشتن بیشتر آنها در مناطق روستایی دوچندان می‌باشد، به ویژه اینکه این مساله، تامین نهاده‌ها و بازررسانی محصولات تولید شده را با مشکل جدی مواجه ساخته است. افزون بر این، علیرغم اینکه اصلاح و تقویت نهادهای پشتیبانی‌کننده توسعه کارآفرینی و بنگاه‌های کوچک و متوسط در مفاد قانونی برنامه پنجم توسعه به طور صریح مورد تاکید قرار گرفته است، ولی بر اساس نتایج این تحقیق مشخص شد که تقریباً هیچ مرکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی در سطح استان زنجان ایجاد نشده که این موضوع به نوبه خود مسایل متعددی دیگری را به ویژه از نظر دسترسی به موقع به اطلاعات موثق و روزآمد در زمینه‌های مختلف اعم از فنی، اداری، مشاوره‌ای و غیره به وجود آورده است.

با توجه به نتایج تحقیق، یکی دیگر از موانع توسعه SMEs کشاورزی در استان زنجان، موانع قانونی می‌باشند که به عنوان عامل دوم وارد تحلیل شده است. در

۱- از جمله این قوانین می‌توان دو قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و صدور مجوز تاسیس و بهره برداری و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی در مقیاس کوچک را نام برد. هر چند، این قوانین نیز در حدود ده سال پیش تدوین شده و چندان به روز نیستند.

2013). علاوه بر مسایل اشاره شده، شرایط سخت گیرانه بانکها و نیاز به داشتن وثیقه معتبر و قابل قبول (بر اساس معیارهای بانک) و بالا بودن نرخ تسهیلات اعطایی، به همراه طولانی شدن روند بررسی و اعطای تسهیلات، سبب انگیزه زدایی صاحبان و مدیران SMEs برای دریافت اعتبارات بانکی شده است.

پس از سه عامل اشاره شده، بخشی دیگری از موانع توسعه بنگاه های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان که از طریق نتایج تحلیل عاملی بر روی آن تاکید شده است، موانع مهارتی- آموزشی می باشند. یکی از مسایل اصلی در این زمینه، ضعف اطلاعات علمی و مهارت های فنی مدیران و صاحبان SMEs از یک سو و پایین بودن سطح مهارت ها و قابلیت های کارآفرینان آنها از سوی دیگر می باشد که این موضوع سبب شده است تا سطح عملکرد و سودآوری این بنگاه ها کاهش پیدا کرده و بر خلاف نام خود که عنوان بنگاه های کارآفرین را یدک می کشند، از سطح کارآفرینی و نوآوری بسیار پایینی برخوردار باشند. این در حالی است که اغلب صاحبان SMEs مورد مطالعه کم سواد بوده و به موازات آن، از تجربه بسیار کمی نیز در حوزه مدیریت یک بنگاه اقتصادی برخوردار هستند. علیرغم وجود چنین شرایطی و نیاز مبرم صاحبان و مدیران SMEs به دانش و اطلاعات جدید، تاکنون هیچ برنامه منسجمی از سوی نهادهای متولی به ویژه سازمان جهاد کشاورزی استان به منظور برگزاری دوره های آموزشی در زمینه های مرتبط طراحی و اجرا نشده و همچنان که Amin Bidokhti & Zargar (2012b) تاکید دارند آموزش یکی از چالش های عمده این بنگاه ها محسوب می شود. در نهایت، پس از چهار عامل اشاره شده، دو عامل ترکیبی آخر که در اولویت های پنجم و ششم قرار گرفته بودند، به ترتیب موانع فنی- جغرافیایی و موانع ارتباطی- اطلاع رسانی می باشند. در این خصوص، SMEs مطالعه شده در استان زنجان به دلیل مقیاس خود که بیشتر جزو بنگاه های کوچک به شمار می آیند، با محدودیت های فنی متعددی به ویژه مشکل در استانداردسازی مواجه هستند. علاوه بر این، کوچک بودن مقیاس سبب شده است تا قدرت رقابت پذیری این بنگاه ها تا حدود زیادی کاهش یافته و به دلیل نگرش و برخورد یکسان در

بر اساس قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی، بانکها موظف هستند حداکثر ظرف مدت چهل و پنج روز پس از تکمیل پرونده، در صورت عدم پذیرش دلایل خود را به صورت مستند و مکتوب به متقاضی اعلام نمایند، این در حالی است که در شرایط واقعی، این فرایند بسیار طولانی تر و زمان بر می باشد. در همین زمینه، نتایج تحقیق Namazian & Barzhideh (2012) نشان می دهد که بیشتر مدیران SMEs از روند اداری طولانی و شدت و کثرت مراجعه پرسشگران از نهادهای مختلف، ابراز خستگی و نارضایتی می کنند. پس از عامل های سیاسی- زیرساختی و قانونی، عامل ترکیبی بعدی که از طریق نتایج تحلیل عاملی بر روی آن به عنوان اولویت سوم تاکید شده است، موانع مالی- هزینه ای می باشند. در این خصوص، از یک سو بیشتر SMEs مطالعه شده دچار ضعف مالی بوده و از کمبود نقدینگی رنج می برند و از سوی دیگر، به دلیل نوسان اقتصادی و بالا بودن نرخ تورم، با هزینه های تولیدی قابل توجهی به ویژه برای تامین هزینه نیروی انسانی و خرید نهاده ها و تجهیزات و ماشین آلات مواجه هستند. در چنین شرایطی، بنا به دلایل مختلف از جمله سودآوری کم SMEs به علت پایین بودن حجم تولید آنها و محدودیت بازار و عدم اطمینان به بازگشت سرمایه از سوی آنها، حمایت از این بنگاه ها برای بانکها از توجیه اقتصادی کافی برخوردار نبوده و بانکها بیشتر ترجیح می دهند تسهیلات خود را در اختیار صنایع و بنگاه های بزرگ مقیاس قرار دهند. برای نمونه، از بین ۲۵۲۵ طرح ارایه شده از سوی SMEs فعال در بخش کشاورزی استان زنجان در سال ۱۳۹۰ تنها ۲۶۸ طرح و در سال ۱۳۹۱ در حدود ۱۸ طرح از مجموع ۷۱ طرح ارایه شده، مورد تصویب قرار گرفته و پس از عقد قرارداد وام دریافت کرده اند. هر چند، در بسیاری از موارد همین تسهیلات پرداخت شده نیز به علت نبود نظارت مناسب بر نحوه هزینه کرد آنها و فراهم نبودن شرایط مناسب برای فعالیت SMEs، از انحراف نسبتاً بالایی برخوردار بوده و در زمینه های غیرمرتبط مورد استفاده قرار گرفته اند، به نحوی که بر اساس گزارش بانک مرکزی و سازمان بازرسی کل کشور، میزان انحراف تسهیلات اعطا شده به SMEs به ترتیب ۳۸ و ۲۵ درصد اعلام شده است (Shabanzadeh et al.,

قوانین و سیاست‌ها و عدم تمایز بین بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط با بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، بنگاه‌های کوچک به طور ناخودآگاه در جریان یک رقابت کاملاً ناعادلانه قرار بگیرند که طبیعتاً در بسیاری از موارد پیامد ایجاد چنین شرایطی رکود و حذف SMEs از بازار رقابتی خواهد بود. علیرغم این مساله، همانطور که از نتایج پیداست بنگاه‌های مورد مطالعه به دلیل ضعف شبکه‌سازی، از تعامل و ارتباط مناسبی با یکدیگر برخوردار نبوده و به صورت کاملاً مجزا از یکدیگر در حال فعالیت می‌باشند. در این زمینه، به نظر می‌رسد که فراهم نمودن شرایط قانونی و حمایتی مورد نیاز به منظور تشویق صاحبان و مدیران SMEs به انسجام-بخشی و ساماندهی فعالیت بنگاه‌های خود در قالب زنجیره‌های تولیدی و خوشه‌های صنعتی (به جای بنگاه-های منفرد) می‌تواند همانطور که Babkin *et al.* (2013) و Long & Zhang (2011) اشاره دارند ضمن رفع برخی نقاط ضعف این بنگاه‌ها به ویژه محدودیت-های فنی، پایین بودن قدرت رقابت‌پذیری و ضعف ارتباط و تعامل بین بنگاه‌ها، مزیت‌های مختلف SMEs همچون انعطاف‌پذیری و تنوع را نیز به شکل قابل توجهی تقویت نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در رشد و توسعه اقتصادی، در سال‌های اخیر کشورهای مختلف به ویژه توسعه یافته به طور جدی بر روی تقویت و حمایت از این بنگاه‌ها متمرکز شده و توسعه آنها را به عنوان ابزاری حیاتی برای دستیابی به اهداف گسترده‌تر توسعه ملی مد نظر قرار داده‌اند. بر این اساس، در کشور ایران نیز توسعه SMEs در طول یک دهه گذشته مد نظر قرار گرفت و تلاش‌ها و برنامه‌های مختلفی برای گسترش این بنگاه‌ها به اجرا در آمد. هر چند علیرغم فعالیت‌های انجام شده، بررسی‌ها حاکی از آن است که توسعه SMEs در تمامی بخش‌ها به ویژه کشاورزی با مسایل و موانع متعددی مواجه شده و این بنگاه‌ها در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خود به شکل بسیار ضعیفی عمل کرده‌اند (Khoshnodifar *et al.*, 2012). با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این تحقیق با هدف بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط

کشاورزی در استان زنجان انجام گرفت. بر اساس نتایج تحقیق مشخص شد که بیشتر مدیران و صاحبان بنگاه-های مورد مطالعه مرد بودند که از نظر سنی بیشتر آنها جزو افراد میانسال به شمار می‌آمدند. پاسخگویان مورد مطالعه از سطح تحصیلات پایینی برخوردار بودند، به نحوی که بیش از یک سوم آنها مدرک تحصیلی دیپلم داشتند. با توجه به نتایج کسب شده، بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی مورد مطالعه سابقه فعالیت نسبتاً پایینی (به طور متوسط کمتر از ۵ سال) داشتند. همچنین، بیشتر این بنگاه‌ها از تعداد کارکنان کمی (کمتر از ۶ نفر) برخوردار بودند که این موضوع با توجه به ماهیت کسب و کارهای کوچک و متوسط طبیعی به نظر می‌رسد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بنگاه-های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان با موانع متعددی در ابعاد مختلف برای توسعه خود مواجه بودند که مهمترین این موانع شامل شش دسته عوامل سیاسی- زیرساختی، قانونی، مالی- هزینه‌ای، مهارتی- آموزشی، فنی- جغرافیایی و ارتباطی- اطلاع‌رسانی بودند. در بین شش مانع اشاره شده، از دیدگاه مدیران و صاحبان بنگاه‌های مورد مطالعه موانع سیاسی- زیرساختی دارای بیشترین اهمیت بودند. یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج مطالعات Ali Mirzaei *et al.* (2012)، Blossom *et al.* (2014) و Bartlett & Bukvič (2001) همسویی داشت. پس از عامل سیاسی- زیرساختی، از دیدگاه پاسخگویان مورد مطالعه موانع قانونی به لحاظ اهمیت در اولویت بعدی قرار داشتند که این یافته با نتایج پژوهش‌های Sharifi *et al.* (2013)، Elahifar *et al.* (2012b) Amin Bidokhti & Zargar (2009)، Blossom *et al.* (2014) و Zhu *et al.* (2011) همسویی داشت. عامل سوم از موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی که از دیدگاه پاسخگویان مورد توجه قرار گرفت، عامل مالی- هزینه‌ای بود که اهمیت آن در مطالعات Khoshnodifar *et al.* (2012)، Maya & Khalil (2009) Elahifar *et al.* (2013)، Anton (2012) Rachel (2009) و Bartlett & Bukvič (2001) مورد تاکید قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

کشاورزی در سطح استان، از دیگر راهکارهای موثر برای تامین مالی بنگاهها می باشد.

۳- با توجه به نتایج تحقیق در خصوص وارد شدن عامل مهارتی- آموزشی در تحلیل عاملی، پیشنهاد می شود دوره های آموزشی مورد نیاز با هدف بهبود سطح مهارت ها و قابلیت های کارآفرینانه مدیران و صاحبان SMEs کشاورزی و تقویت و به روز کردن سطح دانش و اطلاعات آنان به ویژه در زمینه های فنی مرتبط با حوزه فعالیت بنگاه، به صورت منظم و مستمر از سوی نهادهای ذیربط در سطح استان به ویژه سازمان جهاد کشاورزی طراحی و برگزار شود. البته، در این زمینه می توان برای تشویق مدیران و صاحبان بنگاهها برای شرکت در دوره های آموزشی، داشتن گواهی شرکت در این دوره ها را به عنوان یکی از شروط مقدماتی برای راه اندازی بنگاه و یا دریافت وام در نظر گرفت.

۴- با در نظر گرفتن نتایج تحقیق و اهمیت عامل ارتباطی- اطلاع رسانی، پیشنهاد می شود با تاکید بر شبکه سازی و توسعه همکاری های میان بنگاهی، مدیران و صاحبان SMEs فعال در بخش کشاورزی استان تشویق و توجیه شوند تا با کمک سازمان های ذیربط بنگاه های خود را در قالب اتحادیه ها و زنجیره ها/ خوشه های تولیدی ساماندهی نمایند و به این ترتیب، از پتانسیل و ظرفیت نهادی شکل گرفته برای ارائه خدمات به بنگاهها به نحو مطلوب تری بهره مند شوند.

سپاسگزاری

اعتبار این طرح از طرف معاونت پژوهشی دانشگاه زنجان تأمین گردیده است که بدین وسیله از مساعدت و همکاری آن معاونت محترم تشکر و قدردانی می نماید.

۱- با توجه به نتایج تحلیل عاملی و قرار گرفتن عامل سیاسی- زیرساختی در اولویت نخست، پیشنهاد می شود دولت به عنوان مداخله گر اصلی از طریق اصلاح و تقویت سیاست های خود به ویژه در حوزه کنترل و ثبات قیمت ها، ارائه حمایت های منسجم تر زیرساختی، مالی، قانونی و آموزشی و تسهیل واردات و صادرات برای SMEs فعال در حوزه کشاورزی، شرایط مساعدتری را برای توسعه بنگاهها فراهم سازد. همچنین، تدوین و اجرای نظام بیمه ای مشخص مختص SMEs کشاورزی، ایجاد و راه اندازی مراکز تخصصی اعم از شرکت های مشاوره ای، تامین نهاده و بازاریابی به منظور حمایت از SMEs کشاورزی فعال در سطح استان زنجان و ایجاد بازارهای محلی، استانی و غیره مناسب برای فروش محصولات و خدمات SMEs به ویژه با تاکید بر سازوکارهایی همچون برپایی نمایشگاهها و انجام تبلیغات رسانه ای و اینترنتی، از دیگر پیشنهاد های این تحقیق می باشند.

۲- با در نظر گرفتن نتایج تحلیل عاملی و اهمیت موانع مالی- هزینه ای، پیشنهاد می شود از طریق تامین و تخصیص منابع مالی از سوی دولت و توزیع آن از سوی بانک های عامل در سطح استان در قالب وام و تسهیلات اعتباری به متقاضیان تاسیس و توسعه SMEs کشاورزی، تا حدودی ضعف مالی و کمبود نقدینگی بنگاهها برطرف شود؛ در این زمینه، با اعمال نظارت و کنترل کافی می توان اثربخشی تسهیلات اعطایی را برای استفاده بهینه در زمینه های مرتبط افزایش داد. افزون بر این، ایجاد و راه اندازی صندوق حمایت از SMEs

REFERENCES

1. Ali- Mirzaei, E., Asadi, A. & Tahmasebi, M. (2012). Barriers to the development of rural entrepreneurship small and medium enterprises in Khuzestan Province (Case study: Dates supplementary industry). *Journal of Entrepreneurship Development*, 4 (12), 165- 184. (In Farsi)
2. Alsadat Aghili, F., Tayebi, K., Zamani, Z. & Ebrahimi, N. (2013). Effect of entrepreneurship and small and medium enterprises on employment: Evidences from developing countries. *Journal of Entrepreneurship Development*, 5 (2), 145- 164. (In Farsi)
3. Amid, A. & Ghamkhari, M. (2010). The effect of information technology on the development of export of small and medium industries in Iran. *Journal of Landscape Management*, 32, 183- 202. (In Farsi)
4. Amin Bidokhti, A. & Zargar, M. (2012a). Pathology of small and medium enterprises and expression of practical strategies to support them (Case study: Semnan Province). *Journal of Management and Development*, 78, 156- 125. (In Farsi)
5. Amin Bidokhti, A. & Zargar, M. (2012b). Barriers to the development of small and medium enterprises and provide a framework to support the enterprises. *Labor and Society Magazine*, 38, 34- 48. (In Farsi)

6. Azar, A. & Gheitasi, F. (2010). Allocation indices of funds for small enterprise and early return. *Labor and Society Magazine*, 106, 7- 15. (In Farsi)
7. Babkin, A., Kudryavtseva, T. & Utkina, S. (2013). Formation of industrial clusters using method of virtual enterprises. *Procedia Economics and Finance*, 5: 68- 72.
8. Bartlett, J.E., Kotrlik, J.W., & Higgins, C.C. (2001). Organizational research: Determining appropriation sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19 (1), 43- 50.
9. Bartlett, W. & Bukvič, V. (2001). *Barriers to SME growth in Slovenia*. MOCT-MOST, 11, 177-195.
10. Blossom, C., Aslam, N. & Said, A. (2014). Challenges and barriers encountered by the SMEs owners in Muscat. *Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 2 (3), 1- 13.
11. Edraki, M. (2009). Bank of Iranian small and medium enterprises. *Journal of Technology Growth*, 12, 26- 33. (In Farsi)
12. Elahifar, E., Hojati, M. & Fathizadeh, A. (2009). Study of problems of early return enterprises comparing business model and implement process in a case study. Proceedings of the First National Conference on Development of Economic Practices, Tehran, 3 to 4 March 2009, pp. 1- 8. (In Farsi)
13. Heidarpour, A. (2008). Study of performance and effectiveness of the economic and early return enterprise. Research Report, Office of Economic Studies of Islamic Council Parliament. (In Farsi)
14. Jihad-e-Agriculture Organization of Zanjan Province (2014). *Statistical study of agricultural small and medium enterprises in Province of Zanjan*. Research Report, Organization of Jihad-e-Agriculture of Zanjan Province.
15. Khalighi, S. (2009). *Study of relationship between entrepreneurial skills of managers and organizational effectiveness in small and medium businesses in Sanandaj Township*. MSc Thesis, Department of Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Sanandaj. (In Farsi)
16. Khalil, A. (2013). Identification of barrier factors and potential solutions to SMEs development among Jordanian manufacturing sector. *Journal of Business and Management*, 8 (24), 132- 140.
17. Khoshnodifar, Z., Pirmoradi, A. & Mirzaei, A. (2012). Factors affecting the success of small and medium economic early return and entrepreneurship enterprises in the agricultural sector of Farmahin Township. *Proceedings of the Third Congress of Agricultural Extension and Education*, 12 and 13 March 2012, Mashhad, pp. 1- 13. (In Farsi)
18. Lameei, B. (2007). Legal barriers to growth of entrepreneurship in Iranian small industries. *Journal of Cooperative*, 179, 18- 22. (In Farsi)
19. Long, C. & Zhang, X. (2011). Cluster-based industrialization in China: Financing and performance. *Journal of International Economics*, 84 (1), 112- 123.
20. Maya, I. & Anton, M. (2012). Barrier factors and potential solutions for Indonesian SMEs. *Procedia Economics and Finance*, 4, 3- 12.
21. Mozafari, M. (2008). *Small industries in today's economy*. Tehran, Maziar Publisher. (In Farsi)
22. Namazian, A. & Barzideh, A. (2012). Entrepreneurship and relationship between early return credits of Agricultural bank with employment. *Magazine of Bank and Economics*, 113, 63- 68. (In Farsi)
23. Pedhazur, E. (1982), *Multiple Regressions in Behavioral Research: Explanation and Predication*. New York, Reinhart & Winston.
24. Rachel, D. (2009). Investigating barriers to SME growth and development in transition environments. *International Small Business Journal*, 27 (3), 275- 305.
25. Shabanzadeh, M., Shahnoshi- Foroshani, N., Daneshvar- Kakhki, M., Ghorbani, M. & Mojaverian, M. (2013). Study of effectiveness of credits of early return enterprises project in beekeeping industry. *Journal of Agricultural Science*, 22 (4), 29- 44. (In Farsi)
26. Shahnoshi, N. & Shabanzadeh, M. (2013). Effect of Credits of early return enterprises on productivity of agricultural production factor in Babol Township. *Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 43- 2 (3), 511- 521. (In Farsi)
27. Sharifi, M., Zafarian, R., Yadollahi Farsi, J. & Mojtahedi, M. (2013). Barriers and promoting the growth of small and medium enterprises: Case study of paint and coating car industry in Iran. *Journal of New Economics and Trade*, 32, 165-192. (In Farsi)
28. Simon, B., Ken, N. & Stan, C. (1998). *Understanding enterprise, entrepreneurship and small business*. Houndmiks, Macmillan Macmillan press LTD.
29. Soltani, Z., Khoshnod, Z. & Akbari Alashti, T. (2012). *Financial mechanisms of small and medium enterprise*. Research Report, Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Farsi)
30. UNIDO (2008). *Small and medium sized enterprises*. Technical Report, Available at <http://www.unido.org>.

31. Wilkinson, T. & Brouthers, L. (2006). Trade promotion and SME export performance. *International Business Review*, 15 (3), 233- 252.
32. Yeh-Yun, L. & Zhang, J. (2005). Changing structures of SME networks: Lessons from the publishing industry in Taiwan. *Long Range Planning*, 38, 145- 162.
33. Zhu, P., Wittmann, X. & Peng, M. (2011). Institution-based barriers to SMEs in China. *Asia Pac J Manag*, 2, 1- 12.